

بررسی وضعیت سیاست‌گذاری نظام آموزش حوزه‌های علمیه افغانستان

حسین مؤمنی*

عبدالله توکلی**

چکیده

حوزه‌های علمیه، کهن‌ترین نهاد آموزشی دینی افغانستان است که مأموریت تفقه، تدبیر و ترویج دانش و معارف اسلامی را عهده‌دار می‌باشد. حوزه‌ها که امروزه با توجه به شتاب دانش و دگرگونی راهبردها و فنون فراگیری و بازتشر آن، نیازمند تجدید نظر در سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی خویش می‌باشند و انجام مؤثر و مطلوب مأموریت آنها، ضرورت تجدید نظر در سیاست‌های کنونی را ایجاب می‌کند. این تحقیق با هدف شناخت وضعیت موجود سیاست‌گذاری نظام آموزش حوزه‌های علمیه افغانستان صورت پذیرفته است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی، ابزار گردآوری داده‌های آن مصاحبه و فن تجزیه و تحلیل آن، تحلیل محتوای کیفی است. تحقیق حاضر، گام نخست در این زمینه است که با رویکرد مدیریتی و مسئله‌محور، صورت پذیرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های کنونی نظام آموزش حوزه‌های علمیه در هر پنج بُعد (طلاب، اساتید، برنامه درسی، سرفصل و متن درسی و مدیریتی)، با مشکلاتی مواجه است که شرح زیرمقوله‌های این ابعاد در بیان سیاست‌ها آمده است. واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری، نظام آموزش، حوزه علمیه، افغانستان.

مقدمه

فراگیری و بازنشر دانش در فرهنگ و آموزه‌های اسلامی، رسالت دینی و وظیفه شرعی است. اهمیت موضوع تا آنجاست که بر «جهاد» ترجیح داده شده و گاه چگونگی و سیاست‌های مربوط به آن نیز، تعیین شده است؛ «نباید همه مؤمنان سایر شهرها به جهاد بروند؛ بلکه باید عده‌ای از آنان به مدینه بیایند تا در آنجا احکام دین را فراگیرند و در مراجعت، هموطنان خود را با معارف دینی آشنا کنند»^۱ (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۹۰). حوزه‌های علمیه که براساس امثال این آموزه‌ها بنیان نهاده شده، به‌عنوان کهن‌ترین و کارآمدترین مرکز آموزشی اسلامی، مأموریت تفقه، تدبر و ترویج دانش و معارف اسلامی را برعهده داشته و دارند. در حال حاضر با توجه به شتاب دانش و دگرگونی راهبردها و فنون فراگیری و بازنشر آن و با توجه به رسالت آموزشی و ترویجی مراکز آموزش دینی ضروری است وضعیت سیاست‌های کنونی آنها بررسی و در سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی آنها تجدید نظر شود. این مهم با عنایت به قوت و ضعف درونی و فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی حوزه‌ها، یکی از بنیادی‌ترین ضرورت‌ها به شمار می‌رود. حوزه‌های علمیه در افغانستان به‌رغم جایگاه رفیع و گذشته درخشانش، امروزه با وجود ناامنی، نبود هماهنگی، کمبود امکانات، نظام سنتی و... با مشکلات بسیاری روبه‌رو است. بنابراین نیازمند سیاست‌های آموزشی برنامه‌ریزی شده، هماهنگ و مناسب بوده تا در چارچوب یک سیستم آموزشی پویا به مسائل پیش‌رو رسیدگی نموده و حرکت در مسیر توسعه و تحول را آغاز نماید. گام اساسی در ترسیم چشم‌انداز مشخص جهت رسیدن به وضعیت مطلوب، بازنگری سیاست‌های پیشین و بررسی وضعیت موجود می‌باشد. پژوهش حاضر با دنبال کردن این هدف - با نبود منابع کافی و وجود مشکلات - به وضعیت نظام آموزش حوزه‌های علمیه افغانستان با رویکرد مدیریتی پرداخته است. نگارندگان به منظور یافتن پاسخ این پرسش اساسی «وضعیت سیاست‌گذاری نظام آموزش در حوزه‌های علمیه افغانستان چگونه است؟»، می‌کوشد تا با گردآوری داده‌ها از طریق بررسی اسناد و مصاحبه‌های متعدد، به یافته‌هایی دست یابد که به ارتقای سیاست‌های آموزشی حوزه‌های علمیه افغانستان بیانجامد.

مبانی نظری پژوهش

سیاست‌گذاری عمومی^۲ پدیده‌ای است که در قالب یک عمل دولتی در یک بخش از جامعه یا یک فضای جغرافیایی ظاهر می‌شود. این رهیافت با حرکتی عمل‌گرا که معمولاً همان حرکت

۱. قَلُّوْ لَا تَقْرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوْا فِي الدِّیْنِ وَ لِيُنذِرُوْا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوْا إِلَيْهِمْ (توبه، ۱۲۲).

2. Public policy making.

تحلیل‌گران سیاست‌گذاری است، مطابقت دارد (مولر، ۱۳۷۸، ص ۳۰). علوم سیاست‌گذاری بخشی از جنبش عقلایی کردن زندگی بشری و عقلایی عمل کردن بشر است؛ به کمک آن انسان می‌کوشد به تسلط روزافزونی بر زندگی اجتماعی خویش دست یابد. تحلیل سیاست‌های عمومی حلقه مفقوده‌ای است که پژوهشگران را در شناخت تجربی پیچیدگی قانون‌گذاری حکومتی و ماهیت آن یاری می‌دهد (اشتریان، ۱۳۸۶، ص ۱۵). سیاست‌گذاری به صورت فرایندی سعی دارد سیاست‌های مؤثر، مرتبط با اهداف از پیش تعیین شده و دارای صرفه اقتصادی برای شهروندان اتخاذ کند (قلی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱).

سیاست آموزشی بخشی از رهبری آموزشی مانند سیاست، رهبری، منابع انسانی، مدیریت، روابط خارجی و بازاریابی، یادگیری و تدریس و مسئولیت‌پذیری و کیفیت‌بخشی، برای یادگیری مجموعه‌ای از موضوعات اصلی و اساسی طراحی شده در آن است. این مجموعه به دنبال ارائه یک منبع ارزشمند برای دانشجویان، تمرین‌کنندگان، مدیران و رهبران آموزشی در همه بخش‌ها است (بل و استیونسون، ۲۰۰۶، ص ۲۰). سیاست‌گذاری آموزشی بر پایه‌های اخلاق، ارزش و ایدئولوژی استوار و عبارت است از مشخص کردن اصول و کنش‌های مربوط به امور آموزشی که اهداف مطلوب را براساس پایه‌های اخلاقی، ارزشی و ایدئولوژیکی دنبال می‌کند و یا اهداف مطلوب را طراحی می‌کند (توسلی، ۱۳۹۰، ص ۱۹). وظیفه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های کلان آموزشی با هدف ایجاد دسترسی همگانی به مدرسه و دانشگاه، از جمله مأموریت‌های کلیدی دولت و نهادهای عمومی است (ابراهیم آبادی، ۱۳۹۳، ص ۲۲).

حوزه علمیه نهادی است آموزشی، تهذیبی، پژوهشی و تبلیغی که در راستای استقرار رسالت پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم‌السلام) با هدف تبیین، تبلیغ و صیانت از فرهنگ و معارف دینی در جهت هدایت جامعه فعالیت دارد (پیرعباس، ۱۳۹۱، ص ۱۹). روحانیت به‌عنوان محصل حوزه علمیه، وظیفه و مسئولیت مهمی در جامعه دارد، رسول اکرم ﷺ در این باره فرموده: «علماء وارثان پیامبرانند» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۲)، امام صادق (علیه‌السلام) نیز فرموده: «فقها امین و مورد اعتماد پیامبرانند»^۲ در تعبیر دیگری آورده: «علماء امین هستند»^۳ (همان، ج ۱، ص ۱۱۴). این شواهد نشان می‌دهند که علماء عهده‌دار تبلیغ و آموزش آموزه‌های دینی به مردم هستند تا اصول و فروع دین را تبیین، پیام الهی را ابلاغ، آموزه‌ها و تعالیم اسلامی را ترویج و با تهاجم فرهنگی، شبهه‌افکنی و تحریف‌ها مقابله نمایند. پرواضح است که انجام این وظایف، به میزان کارآمدی حوزه‌های علمیه و نظام آموزشی آن بستگی دارد.

۱. إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ.

۲. أَلْفَقَهَاءُ أُمَّةِ الرَّسُولِ.

۳. أَلْعُلَمَاءُ أُمَّةٌ.

رکن اساسی هر سازمان علمی و آموزشی من جمله حوزه‌های علمیه را، نظام آموزش آن تشکیل می‌دهد. نظام آموزش به مجموعه بایدها و نیایدهای برنامه‌ریزی شده و متناسب با اهداف آموزشی، امکانات، منابع، راهبردها و اولویت‌ها گفته می‌شود که چگونگی و نحوه ورود، فراگیری، ارزش‌یابی و فارغ‌التحصیلی محصلان را دربر می‌گیرد (پیرعباس، ۱۳۹۱، ص ۱۵). به بیان دیگر نظام آموزش شامل استادان، مدیران، مواد و محتوای آموزشی و فراگیران (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۲۸۸) یا شامل محتوای درسی، کتاب‌های درسی و شیوه‌های تدریس می‌شود (قورچیان، ۱۳۸۳، ص ۱۲۰۰).

کشور افغانستان، از هزار سال پیش از میلاد تا قرن پنجم به اسم آریانا و تا قرن نوزده میلادی به نام خراسان و پس از آن به اسم افغانستان خوانده شده است. مساحت این کشور هشتصد هزار کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۴۱ ش، بالغ بر پانزده میلیون و دویست و هفتاد و یک هزار نفر بوده است. مردم آن در ولایات مرکزی، شمالی، غربی و در تمام شهرها به زبان فارسی دری و در ولایات شرقی، جنوبی و جنوب غربی به زبان پشتون و در شمال کشور اغلب به زبان ازبکی تکلم می‌کنند. زبان‌های دیگری نیز در این کشور رایج است (غبار، ۱۳۸۴، ص ۸-۱۲).

اولین مدرسه دینی شیعه را در این کشور، ضحاک بن مزاحم بلخی مفسر، محدث و نحوی از شاگردان امام سجاد (علیه السلام) تأسیس کرده است که در این مدرسه در حدود سه هزار پسر و هفتصد دختر به دست او تربیت شده‌اند (رحمانی ولوی، ۱۳۸۳، ص ۴۵۴)، وی در علم تفسیر شهرت بیشتری داشت و در سال ۱۰۶۱ق، از دنیا رفته است (المزنی، ۱۹۹۴، ج ۹، ص ۱۷۷). حوزه‌های علمیه افغانستان در طول تاریخ از شهرت و رونق خوبی برخوردار بوده است، زمانی بلخ مرکز فرهنگی خراسان کهن به حساب می‌آمد و زمانی دیگر غزنه و هرات مهد پرورش دانشمندان بوده است (توحیدی، ۱۳۹۵، ص ۵). علما، عرفا، ادیبان و دانشمندان بسیاری در این کشور پرورده شده‌اند که امروزه از مفاخر جهان اسلام به شمار می‌آیند (بهرام، ۱۳۹۴، ص ۸). در قرن‌های نخست هجری حضور دانشوران بزرگ و راویان برجسته چنان سرزمین بلخ را عظمت بخشیده بود که شیخ صدوق برای تکمیل مجامع روایی خویش به آن دیار سفر کرد و از محضر عالمان و راویان بهره‌ها برد و کتاب من لایحضره الفقیه را به درخواست گروهی از علمای آن سامان تدوین کرد (امینی، ۱۳۸۹، ص ۱۸).

در برحه‌ای از تاریخ علمای تشیع مجبور شدند حوزه‌های علمیه را تعطیل و راه انزوا یا مهاجرت را در پیش گیرند. در عصر حاضر با پایان حکومت شاه عبدالرحمان در سال ۱۲۸۰ ش، فشار و خفقان حکومت از مردم شیعه قدری کاسته شد در نتیجه روحانیت فرصتی یافتند تا حوزه‌های علمیه را برای بار دیگر احیا کنند. در این میان تأسیس مدرسه دهن شرد بلخاب

(۱۲۹۵)، مدرسه سرولنگ و مقدس بامیانی (۱۳۰۵) را نخستین مدارس عصر حاضر بیان کرده‌اند (محسنی، ۱۳۹۵، ص ۱۱؛ امینی، ۱۳۸۹، ص ۴۰).

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه حوزه‌های علمیه افغانستان و نظام آموزش حوزه‌های علمیه به‌طور عام، عبارتند از:

۱. نظام آموزشی حوزه^۱ از نگاه عالمان، مرکز تدوین و نشر متون درسی حوزه، نشر دانش حوزه، چاپ اول، قم، ۱۳۸۶. در این کتاب نظر ۴۳ نفر از خبرگان حوزه علمیه درباره نظام آموزشی حوزه اخذ و بررسی شده است، این کار در نوع خود کامل‌ترین اثر در جمع‌آوری دیدگاه‌ها درباره نظام آموزش حوزه است؛

۲. تاریخ تحولات حوزه‌های علمیه شیعه در افغانستان در صدسال اخیر، عبدالحسین امینی، پایان‌نامه، گرایش تاریخ اسلام، قم، جامعه المصطفی، ۱۳۸۹ ش. این تحقیق در قالب هفت فصل به صورت توصیفی فراهم آمده است. در فصل اول به کلیات موضوع پرداخته شده، در فصل‌های ۱ تا ۶، به سیر تحولات حوزه علمیه در طول تاریخ و عصر جدید و مراحل تأسیس آن در افغانستان اشاره شده و نیز به بررسی تحولات حوزه‌های علمیه به تفکیک جغرافیایی پرداخته است. در فصل هفتم نیز آثار و عملکرد حوزه علمیه در نقش‌های فرهنگی، تبلیغی، اجتماعی و رهبری دینی علما طی صد سال اخیر تحلیل و بررسی شده است؛

۳. آشنایی با حوزه‌های علمیه شیعیان افغانستان، غلامعلی حسن‌زاده، نشر نینوا، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰. این کتاب در پنج فصل و ۴۳۲ صفحه به رشته تحریر درآمده است. نگارنده در این پژوهش بعد از بیان مختصری درباره سیر تاریخی حوزه‌های علمیه، آنها را از نظر جغرافیایی به چند قسمت تقسیم کرده و به بیان کوتاهی از هر یک پرداخته است؛

۴. ویژه‌نامه همایش حوزه‌های علمیه افغانستان، نمایندگی المصطفی در افغانستان، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰. در این نگارش هشت مصاحبه و چهار مقاله با موضوع مورد نظر به چاپ رسیده است، می‌توان گفت این اثر محصول اولین همایش درباره حوزه‌های علمیه افغانستان است؛

۵. بررسی برنامه درسی حوزه علمیه افغانستان در دوران معاصر، آقاحسن حسینی، پایان‌نامه، گرایش علوم تربیتی، قم، جامعه المصطفی، ۱۳۹۲. نویسنده، در این اثر بحث گسترده‌ای درباره برنامه درسی حوزه‌های علمیه افغانستان، در قالب ۳۴۰ صفحه ارائه کرده است؛

۱. حوزه‌های علمیه به‌طور عام منظور است نه مدرسه خاصی.

۶. تحلیل و تبیین وضعیت گرایش به تحصیل در حوزه‌های علمیه افغانستان در دو دهه اخیر، ضامن رضایی، پایان‌نامه، گرایش برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، قم، جامعه المصطفی، ۱۳۹۲. نگارنده توصیف و افری از حوزه‌های علمیه و گرایش به آن نموده است. به‌طور کلی، ویژگی‌ها و مهم‌ترین یافته‌های تحقیق‌های پیشین، در جدول زیر خلاصه و براساس تاریخ دسته‌بندی شده است.

جدول ۱: ویژگی‌ها و مهم‌ترین یافته‌های تحقیقات پیشین

ردیف	پژوهشگر / پژوهشگران	سال انتشار	موضوع پژوهش	متدولوژی پژوهش	یافته‌های پژوهش
۱	مرکز تدوین و نشر متون درسی حوزه	۱۳۸۶	نظام آموزش حوزه	توصیفی تحلیلی نظرات	دسته‌بندی نظرات و ارائه راهکار درباره نظام آموزش حوزه
۲	عبدالحسین امینی	۱۳۸۹	حوزه‌های علمیه افغانستان	توصیفی تحلیلی	در این تحقیق حوزه علمیه در افغانستان در قالب چهار فصل توصیف شده و نقش‌های فرهنگی، تبلیغی، همبستگی، ظلم‌ستیزی و... آن بیان شده
۳	غلامعلی حسن‌زاده	۱۳۹۰	حوزه‌های علمیه افغانستان	میدانی از طریق مصاحبه	اولین توصیف جامع از وضع موجود حوزه‌های علمیه افغانستان
۴	نماینده المصطفی در افغانستان	۱۳۹۰	حوزه‌های علمیه افغانستان	گردآوری مصاحبه‌ها و مقاله‌ها	اولین همایش تحقیقی و یافتن SWOT حوزه‌های علمیه افغانستان
۵	آقاحسن حسینی	۱۳۹۲	حوزه‌های علمیه افغانستان	توصیفی تحلیلی	در این پژوهش حوزه علمیه در افغانستان از نظر برنامه درسی، تحلیل و آسیب‌شناسی و راهکار مناسب ارائه شده است
۶	ضامن رضایی	۱۳۹۲	حوزه‌های علمیه افغانستان	توصیفی پیمایشی	در این تحقیق گرایش به تحصیل در حوزه علمیه در افغانستان در طی ۲۰ سال اخیر مورد بررسی قرار گرفته است

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت اطلاعات ارزشمندی در این تحقیقات پیرامون سابقه حوزه‌های علمیه افغانستان گردآوری شده است؛ اما فرایند سیاست‌گذاری، سیاست‌های آموزشی و عناصر و مؤلفه‌های آموزشی به صورت جامع و نظام‌مند در هیچ‌یک از آنها، بحث نشده است تا وضعیت کنونی سیاست‌گذاری نظام آموزش حوزه‌های علمیه افغانستان را تبیین کند. رویکرد برخی از آنها تربیتی و مدیریت آموزشی می‌باشد؛ اما فقط به برخی از عناصر آموزشی مانند طلاب و برنامه درسی پرداخته‌اند و در هیچ یک سیاست‌های آموزشی حوزه‌های علمیه با رویکرد مدیریت سیاست‌گذاری و آموزشی پیرامون عناصر آموزش، بررسی نشده است. در این پژوهش وضعیت کنونی سیاست‌های نظام آموزشی حوزه‌های علمیه افغانستان در ابعاد: طلاب، اساتید، برنامه درسی، سرفصل و متن درسی و مدیریتی بررسی شده است.

روش تحقیق

هر تحقیق علمی دارای مراحل است که بعضی در طول هم و بعضی در عرض هم انجام می‌شوند. پژوهش حاضر از مراحل گام به گام مایرینگ (۲۰۱۴) استفاده کرده است. این تحقیق به لحاظ جهت‌گیری از نوع تحقیق کاربردی، به لحاظ رویکرد از نوع تحقیق استقرایی، به لحاظ استراتژی از نوع مطالعه، به لحاظ هدف از نوع توصیفی و به لحاظ افق زمانی از نوع مقطعی می‌باشد. در فرایند تحقیق ابتدا اقدام به گردآوری داده‌های کیفی بر مبنای مطالعه و فیش‌برداری از اسناد کتابخانه‌ای شده. در این زمینه به کتاب‌های مربوط به حوزه‌های علمیه، مدیریتی، سیاست‌گذاری، استراتژیک، تاریخ علم در اسلام، آموزشی و... مراجعه شده است. در این بررسی نزدیک به صد کتاب مطالعه شده است که مطالب بعضی از آنها در ارتباط با موضوع و بعضی بی‌ربط شناخته شد. سپس به مقالات فارسی و انگلیسی مراجعه شد که از بین حدود پنجاه مقاله مورد مطالعه از تعدادی از آنها استفاده شده است. داده‌های میدانی از حوزه‌های علمیه پنج شهر در پنج استان (کابل، سرپل، هرات، بامیان، مزار) از طریق مصاحبه حضوری نیمه‌سازمان یافته جمع‌آوری شده است. از نظر جغرافیایی برای جمع‌آوری اطلاعات از شهرهای یاد شده، تنها در افغانستان حدود دو هزار پانصد کیلومتر مسیر طی شده است. برای شناسایی و تعیین مصاحبه‌شوندگان از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است. در این روش تعداد نمونه در جامعه آماری از پیش مشخص نیست، بلکه از افراد مصاحبه شده برای یافتن اشخاص بعدی کمک گرفته می‌شود این کار تا زمانی ادامه می‌یابد که دیگر داده جدیدی به دست نیاید و محقق به حد اشباع برسد (ووکا و همکاران، ۲۰۱۱). شیوه انجام مصاحبه قضاوتی بوده است؛ در این شیوه، پژوهشگر تلاش می‌کند براساس قضاوت و نظر کارشناسی خود نمونه‌ای را انتخاب نماید که تا حد امکان ویژگی‌های جامعه واقعی را داشته باشد (میرزایی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۸۰). در تحلیل مصاحبه‌ها سه رویکرد کمی، ساختاری و تفسیری وجود دارد (کریمی، ۱۳۹۲، ص ۷۵) که نگارنده، رویکرد تفسیری را در پیش گرفته است. تعداد مصاحبه‌ها سی و یک مورد بوده که بیشترین فراوانی را مسئولان حوزه تشکیل داده‌اند که در جدول شماره سه به آن پرداخته شده است. روش مصاحبه به این صورت بوده که ابتدا با عناوین از پیش آماده شده نظر مصاحبه‌شونده کسب و مطالب مهم آن یادداشت‌برداری شد. پس از آن همه داده‌های مورد نظر به‌طور کامل به رشته تحریر درآمد، لازم به یادآوری است که به دلیل شرایط امنیتی اجازه ضبط در هیچ مصاحبه‌ای داده نشده است.

تکنیک تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوای کیفی است، تحلیل محتوا یک روش سیستماتیک و تکرارپذیر برای تجزیه و تحلیل اطلاعات است که به‌طور معمول باز و نسبتاً بدون ساختار است (روس و همکاران، ۲۰۱۵). در تحلیل کیفی، پژوهشگر در پی یافتن ساختارها و نظم و نسق‌های الگومند در متن و استنباط براساس آنها است، یعنی داده‌های جمع‌آوری شده پس از

رمزگذاری (کدگذاری) تحلیل و پردازش می‌شود (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۲۴۶). بعد از کدگذاری داده‌های مقوله‌بندی شده، فراوانی هر یک به دست می‌آید. در این صورت پس از آنکه داده‌ها کدگذاری شد، مرحله نخست تنظیم توزیع فراوانی برای آزمون الگوی پاسخ به متغیرها است که در آن تنها مقوله‌های متغیر را مشخص کرده و تعداد مشاهدات را در هر طبقه می‌شمرد (فرانکفورد، ۱۳۸۱، ص ۵۱۵). برای ساختن مقوله‌ها می‌توان از دو یا چند نفر کمک گرفت و این اعتبار را می‌توان ناشی از توافق رمزگذاران دانست، در این روش از محققان دیگری خواسته می‌شود که تحلیل را تکرار کنند و درجه توافق دو آزمون محاسبه می‌شود (فروتی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳). برای روایی بهتر در این تحقیق اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها با همکاری چهار نفر از کارشناسان مدیریت رمزگذاری و تجزیه تحلیل شده است. روش استفاده شده برای تحلیل داده‌های مصاحبه نیز یک روش مرسوم و معتبر است. اعتبار محتوا غالباً تکیه‌گاه روش تحلیل محتوا بوده است که از طریق قضاوت آگاهانه پژوهشگر به دست می‌آید (آل-آر. هولستی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۱).

نگارندگان در فرایند مقوله‌بندی این پژوهش جهت رسیدن به نتیجه مطلوب، داده‌ها را در طی پنج مرحله کدگذاری و طبقه‌بندی کرده‌اند. الف) ابتدا اطلاعات مربوط به تحقیق از متن نگارش شده هر مصاحبه تلخیص شده؛ ب) سپس داده‌هایی که مربوط به هر بُعد بوده از بقیه مطالب جداسازی شده؛ ج) در مرحله سوم اطلاعات که درباره مقوله‌های هر بُعد بود به صورت کدگذاری درآمده؛ د) در مرحله بعد این کدها در مجموع دارای تکراری و نواقصی بوده که به صورت یک‌نواخت با عبارت‌های قابل ذکر درآمده؛ ه) و در آخر نتیجه این فرایند تحت عنوان زیرمقوله‌ها، مقوله‌ها و ابعاد نظام آموزش حوزه‌های علمیه افغانستان ذکر شده و به دلیل اهمیت مشکلات در سیاست‌گذاری، فراوانی و درصد فراوانی زیرمقوله‌ها مشکلات هر بُعد بیان شده است.

از آن جهت که اطلاعات از منابع شخصی (مصاحبه) استفاده شده است و در سیستم APA منابع اطلاعات شخصی در فهرست منابع وارد نمی‌شود (هابوک، ۱۳۹۲، ص ۴۵۹). در تحقیق حاضر نیز اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها فقط در خود متن پژوهش مستندسازی شده و منابع مصاحبه‌ها در فهرست منابع بیان نشده است. از آن جهت که انتشار اطلاعات به دست آمده از مصاحبه نیازمند رازداری و عواقب امنیتی را برای مصاحبه‌شونده به همراه دارد، از ذکر اسم افراد خودداری به عمل آمده، این کار در استفاده از مصاحبه یک امر مرسوم است (کریمی، ۱۳۹۲، ص ۸۴). به دلیل اختصار در ذکر منابع مصاحبه‌ها از رمزدهی (کدی) به این صورت استفاده شده است: م: مصاحبه، عدد مصاحبه و حرف اول مکان مصاحبه (استان)، و به طور کلی تاریخ مصاحبه‌ها نیز در طول برج تیرماه ۱۳۹۵ بوده است.

ابعاد و مقوله‌های تحقیق و کدهای هر یک در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۲: مقوله‌ها و کدهای معادل آن

کد مقوله	مقوله‌ها	ابعاد	متغیر
۱	پذیرش	طلاب	نظام آموزش حوزه‌های علمیه افغانستان
۲	رشد و ارتقا		
۳	مشکلات		
۴	استخدام	اساتید	
۵	رشد و ارتقا		
۶	مشکلات		
۷	برنامه روزانه	برنامه درسی	
۸	برنامه سالانه		
۹	مشکلات		
۱۰	دوره سطح	سرفصل و متن درسی	
۱۱	دوره خارج		
۱۲	مشکلات		
۱۳	مشکلات	مدیریتی	

یافته‌ها

داده‌ها در دو مرحله؛ نخست توصیف و تفسیر مصاحبه‌شوندگان و در ادامه توصیف و تفسیر یافته‌های مربوط به ابعاد نظام آموزش حوزه‌های علمیه افغانستان تحلیل شده‌اند. مصاحبه‌شوندگان با تفکیک مسئولیت در جدول شماره ۳ توصیف شده است.

جدول ۳: فراوانی مصاحبه‌ها به تفکیک مسئولیت

ردیف	مسئولیت	درصد فراوانی
۱	کارشناس مسئول مدرسه	۴۸٫۳۸
۲	استاد حوزه	۱۶٫۱۲
۳	طلبه	۱۲٫۹۰
۴	کارمند مدرسه	۹٫۶۷
۵	مردم محلی	۶٫۴۵
۶	امام جماعت	۳٫۲۲
۷	دانش‌آموز	۳٫۲۲
۸	جمع کل	۱۰۰

تفسیر جدول پیشین نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی مصاحبه‌شوندگان از نظر مسئولیت، مربوط به «کارشناسان مسئول» و کمترین فراوانی «امام جماعت و دانش‌آموز» می‌باشد. به منظور بررسی وضعیت موجود سیاست‌های هر بُعد از نظام آموزش، نخست مقوله‌هایی که بیانگر وضعیت کنونی سیاست‌ها در آن بُعد است، توصیف شده است. سپس مسائل سیاستی به آن بُعد، در قالب مقوله مستقلی با عنوان «مشکلات»، طبقه‌بندی گردیده است. در نهایت با توجه به اهمیت مقوله «مشکل»، این مقوله به زیرمقوله‌هایی تجزیه و به ترتیب در قالب جدول توضیح داده شده است.^۱

۱. طلاب

پذیرش: پذیرش طلاب با توجه به شرایط مالی، محل جغرافیایی و تشخیص مسئول آن حوزه صورت می‌گیرد. مثلاً در بعضی از حوزه‌های علمیه اگر فردی که حداقل سواد خواندن را دارد، سن او مناسب تحصیل باشد، قوانین آن مدرسه را رعایت نماید و علاقه به طلبه شدن را از خود نشان دهد پذیرش می‌شود (م، ۴، س). بعضی دیگر از حوزه‌های علمیه فقط از طلاب که چند سال مشغول به تحصیل دروس حوزوی هستند اگر در امتحانات نمره قبولی را آورد تا تکمیل ظرفیت پذیرش می‌نمایند (م، ۶ و ۱۱ ک). تعدادی از حوزه‌های علمیه هم هستند که فقط از طلاب سطح عالی و خارج با اعمال شرایط خاص به صورت محدود پذیرش می‌نمایند (م، ۵، ک). ارتقا: برنامه‌های آموزشی و تربیتی حوزه‌های علمیه در هر کدام مختص خودش می‌باشد. مثلاً در بعضی از مدارس به‌طور تمام وقت طلبه مشغول به تحصیل است که در روز شرکت در چند درس، انجام مباحثه، بازگونی‌مدرسه در برای استاد و شرکت در برنامه‌های هفتگی برای او الزامی است (م، ۲، ب) در بعضی دیگر از مدارس طبق شرایط آن طلاب بدون هیچ قید و بندی با علاقه و خواسته خود در درس حاضر می‌شود (م، ۱، م). مشکلات: داده‌های مربوط به مشکلات طلاب به صورت زیر خلاصه و براساس شدت و ضعف طبقه‌بندی شده است.

جدول ۴: فراوانی مشکلات طلاب

ردیف	زیرمقوله‌ها	درصد فراوانی
۱	کوتاهی طلاب در وظایف	۵۸/۸۲
۲	نبودن فرصت تحصیلی	۲۰/۵۸
۳	کمبود منابع و امکانات تحصیلی	۲۰/۵۸
۴	جمع کل	۱۰۰

۱. تحلیل اطلاعات در این مقاله، فشرده پایان‌نامه‌ای است که در جامعه المصطفی العالمیه (۱۳۹۶) دفاع شده، در سایت ایران داک ثبت و در کتابخانه جامعه المصطفی موجود می‌باشد.

این جدول نشان می‌دهد که مشکل کوتاهی طلاب در وظایف دارای بیشترین فراوانی و بقیه مسائل در مراتب بعد قرار دارند.

۲. اساتید

استخدام: اساتید در حوزه‌های علمیه افغانستان به دو نوع تقسیم می‌شوند، تعدادی به صورت تمام وقت در محل حضور دارند، افزون بر رفع نیازهای مردم تدریس هم دارند (م، ۱، س). بعضی دیگر به صورت پاره وقت برای تدریس و دیگر کارهای عام‌المنفعه به کشور می‌آیند (م، ۳، س). به دلیل اینکه اساتید از تدریس هدف مادی ندارند، به بعضی از آنان شهریه ناچیزی برای امرار معاش پرداخت می‌شود (م، ۶، س، م، ۱۳، ک، م، ۲، ب).

ارتقا و توانمندسازی: ارتقا و توانمندسازی استاد برای این است که آن فرد رغبت ماندن در مدرسه را داشته باشد، اما برای افزایش توان علمی، بیانی و روشی او کسی برنامه‌ای ندارد تا از آنچه هست بهتر شود. بنابراین می‌توان گفت، اساتید ارائه درس را به‌عنوان رفع تکلیف انجام می‌دهند (م، ۳، س). در بعضی از مدارس با حداقل امکانات به استاد برای ارائه درس بهتر همکاری صورت می‌گیرد (م، ۶، س، م، ۱۳، ک، م، ۲، ب).

مشکلات: داده‌های مربوط به مشکلات اساتید به صورت زیر خلاصه و براساس شدت و ضعف طبقه‌بندی شده است.

جدول ۵: فراوانی مشکلات اساتید

ردیف	زیرمقوله‌ها	درصد فراوانی
۱	ضعف مهارت‌های ارتباطی	۳۴/۴۸
۲	عدم آشنایی با فنون تدریس	۳۴/۴۸
۳	کمبود در تجهیزات تدریس	۱۷/۲۴
۴	حجم زیاد تدریس	۱۳/۷۹
۵	جمع کل	۱۰۰

این جدول نشان می‌دهد که ضعف مهارت‌های ارتباطی و آشنا نبودن با فنون تدریس، بزرگ‌ترین مشکل اساتید می‌باشد و مشکلات بعدی به ترتیب دارای اهمیت کمتر می‌باشند.

۳. برنامه درسی

در یک تقسیم‌بندی برنامه درسی به دو دوره سطح و خارج تقسیم می‌شود که هر یک از این دوره‌ها شامل برنامه‌های روزانه و سالانه می‌باشند.

برنامه درسی روزانه دوره سطح: در بعضی از مدارس برای هر طلبه به طور متوسط در روز سه درس اصلی و یک درس فرعی برگزار می شود، وی نیز باید ساعاتی را برای مطالعه و مباحثه اختصاص دهد، این در حالی است که شرکت در برنامه های هفتگی مدرسه برای او الزامی است (م، ۴، س). در بعضی دیگر از مدارس در روز در حدود بیست موضوع درس برگزار می شود، طلبه برای شرکت در درس ها آزاد است تا به تعداد نیاز خود در درس شرکت کند (م، ۱۶، ک). مدارس هم هست که درس برگزار می شود؛ ولی الزام به شرکت در درس برای طلبه وجود ندارد.

برنامه درسی سالانه دوره سطح و خارج: در بعضی از مدارس تابستان و دهه اول محرم تعطیل و در باقی ایام درس برقرار است (م، ۶، س) بعضی از مدارس فقط در دهه اول محرم و آخر رمضان تعطیل و دیگر ایام سال جلسه درس برقرار است (م، ۲، ب؛ م، ۱۰، ک).

برنامه درسی روزانه دوره خارج: برای درس خارج، نهایتاً در روز دو درس برگزار می شود این در حالی است که در بعضی از مدارس همراه با تحقیقاتی در ضمن درس است.

مشکلات: داده های مربوط به مشکلات برنامه درسی از شدیدترین تا ضعیف ترین آن به صورت زیر خلاصه شده است.

جدول ۶: فراوانی مشکلات برنامه درسی

ردیف	زیرمقوله ها	درصد فراوانی
۱	نبود هماهنگی بین برنامه ها و اهداف	۴۶/۱۵
۲	تعطیلات زیاد	۳۵/۸۹
۳	نبود سیستم فراگیر کشوری	۱۷/۹۴
۴	جمع کل	۱۰۰

داده های مربوط به مشکلات برنامه درسی نشان می دهد که مهم ترین مشکل مربوط به نبود هماهنگی بین برنامه ها و اهداف است و باقی مسائل در مراتب بعد قرار دارند.

۴. سرفصل و متن درسی

سرفصل و متن درسی در دوره سطح: دروس این قسمت به سه بخش تقسیم می شود مقدماتی (ادبیات) تا پایه سه، متوسطه از پایه چهار تا هفت و سطح عالی که کفایه، مکاسب و تفسیر را دربر می گیرد (م، ۲، ب؛ م، ۵، ک). منابع درسی در هر حوزه علمیه مختص خود آن است بعضی از مدارس در حد مقدماتی کلاس دارند و منابع ادبیات قدیم را به کار می گیرند، بعضی دیگر تا دوره های متوسطه را جزء برنامه درسی خود دارند و منابع درسی را هم به دلخواه خود تعیین می کنند، تعدادی

از مدارس هم وجود دارد که در سطح عالی حوزه درس دارند و منابع درسی و روش تدریس را خودشان انتخاب می‌کنند که چگونه باید باشد.

سرفصل و متن درسی در دوره خارج: در دوره خارج به دلیل کمبود اساتید سطح عالی درس به صورت محدود برگزار می‌شود، سه سرفصل درسی در این مورد وجود دارد، خارج اصول، خارج فقه و تفسیر؛ اما در انتخاب متن درسی و شیوه تدریس اختیار به خود مدرس است.

مشکلات: داده‌های مربوط به مشکلات سرفصل و متن درسی به صورت زیر خلاصه و طبقه‌بندی شده است.

جدول ۷: فراوانی مشکلات منابع و سرفصل درسی

ردیف	زیرمقوله‌ها	درصد فراوانی
۱	کمبود منابع	۳۳/۳۳
۲	ضعف کیفی	۳۳/۳۳
۳	بروز نبودن	۳۳/۳۳
۴	جمع کل	۱۰۰

یافته‌های این جدول، بیانگر آن است که هر سه مشکل مربوط به منابع و سرفصل درسی از درجه اهمیت یکسان برخوردار می‌باشند.

۵. مدیریتی

بعضی از مسئولان هدف، انگیزه، برنامه و علاقه خاصی درباره تحصیل طلاب ندارند، برای چنین افرادی مدیریت مدرسه شغل درجه دوم است (م، ۸، ک). این بی‌برنامگی گاهی سبب می‌شود هم‌زمان چند سیستم درسی متفاوت در یک مدرسه وجود داشته باشد (م، ۸، ک). با وجود شرایط سخت اقتصادی در جامعه بعضی از مدیران توانایی جذب و استفاده بهینه از سرمایه مالی موجود را ندارند، از این رو پذیرش در حوزه علمیه به خصوص برای خانم‌ها بسیار در سطح پایین است (م، ۳، ک). از طرفی امکانات رفاهی، آموزشی و تحقیقی به صورت محدود در اختیار طلاب قرار می‌گیرد (م، ۳، س و ۸، ک)، در این میان اساتید نیز از حمایت مالی مورد نیاز برخوردار نیستند (م، ۳، س). رهبران حوزه هیچ برنامه روشنی برای آینده شغلی طلاب ندارند، این امر باعث دل‌سردی و بدبینی بسیاری از جوانان نسبت به حوزه علمیه شده است (م، ۸، ک، ۱ و ۵، س). به‌طور نمونه عالم فاضل که حدود هفتاد سال امام جماعت، مدرس حوزه و روحانی محل بوده در سن کهن‌سالی هیچ‌گونه حمایت مالی برای رفع نیازهای خود دریافت نمی‌کند (م، ۵، س).

جدول ۸: مشکلات مدیریتی

ردیف	زیرمقوله‌ها	درصد فراوانی
۱	مشکلات مالی حوزه	۴۸/۱۴
۲	آینده شغلی نامعلوم طلاب	۲۰/۳۷
۳	ضعف اقتصادی در جامعه	۱۱/۱۱
۴	نبود هماهنگی در داخل حوزه	۹/۲۵
۵	نبود برنامه‌ریزی بلند و کوتاه‌مدت	۵/۵۵
۶	نبود مدیران شایسته	۵/۵۵
۷	جمع کل	۱۰۰

این جدول نشان می‌دهد که مشکلات مالی حوزه، بزرگ‌ترین مشکل مدیریتی می‌باشد و مشکلات بعدی به ترتیب دارای اهمیت کمتر است.

در یک جمع‌بندی، می‌توان یافته‌های تحقیق را به صورت زیر تلخیص کرد:

جدول ۹: جمع‌بندی مشکلات ابعاد نظام آموزش حوزه‌های علمیه افغانستان

ردیف	مشکل بعد	کد	فراوانی زیرمقوله	فراوانی فیش‌های هر زیرمقوله	درصد فراوانی فیش‌ها
۱	مدیریتی	۱۳	۶	۵۴	۲۹/۵۰
۲	برنامه‌درسی	۹	۳	۳۹	۲۱/۳۱
۳	طلاب	۳	۳	۳۴	۱۸/۵۷
۴	اساتید	۶	۴	۲۹	۱۵/۸۴
۵	سرفصل و متن درسی	۱۲	۳	۲۷	۱۴/۷۵
۶	جمع کل		۱۹	۱۸۳	۱۰۰

مشکلات مدیریتی با کد ۱۳ در قالب شش زیرمقوله با فراوانی ۵۴ فیش، مشکلات برنامه‌درسی با کد ۹ در قالب سه زیرمقوله با فراوانی ۳۹ فیش، مشکلات طلاب با کد ۳ در قالب سه زیرمقوله با فراوانی ۳۴ فیش، مشکلات اساتید با کد ۶ در قالب چهار زیرمقوله با این حال ۲۹ فیش، مشکلات سرفصل و متن درسی با کد ۱۲ در قالب سه زیرمقوله با فراوانی ۲۷ فیش می‌باشد. در مجموع مشکلات دارای نوزده زیرمقوله و ۱۸۳ فیش بوده که در جدول پیشین به ترتیب از بیشترین تا کمترین از نظر تعداد فیش‌ها مرتب شده است.

از جمع‌بندی و تفسیر یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت کنونی سیاست‌های نظام آموزش حوزه‌های علمیه افغانستان، در هر پنج بعد دارای مشکلات است؛ بُعد مدیریتی که بخش اعظم مشکلات را به خود اختصاص داده است، مرکز ثقل مشکلات نظام آموزش حوزه علمیه می‌باشد و ابعاد برنامه‌درسی، طلاب، اساتید، سرفصل و متن درسی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

توصیه‌های سیاستی

یافته‌ها و نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهند که سیاست‌های موجود نظام آموزش حوزه‌های علمیه افغانستان پاسخگوی مشکلات نیست. به همین دلیل به نظر می‌رسد که تجدید نظر در سیاست‌های موجود و اتخاذ سیاست‌های روز و کارآمد، تصمیم درست خواهد بود. با توجه به نتایج این مقاله، سیاست‌های زیر توصیه می‌شوند: در بعد طلاب، سیاست‌هایی جهت بهبود وضعیت پذیرش و تحصیل طلاب توصیه می‌شود. در بعد اساتید، سیاست‌های مؤثری که به رفع مشکلات استخدام و تدریس اساتید کمک می‌کند توصیه می‌شود. در بعد برنامه درسی، سیاست‌هایی که رسیدن به وضعیت مطلوب را امکان‌پذیر کند، توصیه می‌شود. در بعد سرفصل و متن درسی، سیاست‌هایی که منجر به روزآمد شدن منابع درسی کمک کند، توصیه می‌شود. در بُعد مدیریتی، سیاست‌هایی که برای مشکلات راه‌حل ارائه کند، توصیه می‌شود.

منابع

- * قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۱. آل. آر. هولستی (۱۳۸۰)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه: نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی رحمته.
 ۲. ابراهیم آبادی، حسین (۱۳۹۳)، سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش عالی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 ۳. اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶)، سیاست‌گذاری عمومی ایران، تهران: میزان.
 ۴. المزی، جمال‌الدین ابی‌الحجاج یوسف (۱۹۹۴)، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، بیروت: دارالفکر.
 ۵. امینی، عبدالحسین (۱۳۸۹)، تاریخ تحولات حوزه‌های علمیه شیعه در افغانستان، (پایان‌نامه)، قم: المصطفی.
 ۶. بهرام، محمدحسین (۱۳۹۴)، «حوزه‌های علمیه افغانستان، کارکرد علمی و کارآیی اجتماعی»، (مقاله)، <http://www.taha14.com>.
 ۷. پیرعباس، محمدابراهیم (۱۳۹۱)، «هست‌ها و باید‌های جایگاه قرآن در نظام آموزشی حوزه علمیه قم»، (رساله سطح سه) حوزه علمیه قم.
 ۸. توسلی صباغ، حمید (۱۳۹۰)، «نمونه‌های کوچکی از استاد مطهری، سیاست‌گذاری آموزشی در مدارس علوم و معارف اسلامی»، علوم قرآن و حدیث، دوره ۸، ش ۴، رشد آموزش قرآن، ۳۳.
 ۹. توحیدی، محمد (۱۳۹۵)، «حوزه‌های علمیه، تحولات فرهنگی و مسئولیت‌های اجتماعی»، (مقاله)، <http://www.taha14.com>.
 ۱۰. حسینی، آقاجسن (۱۳۹۲)، «بررسی برنامه درسی حوزه‌های علمیه افغانستان در دوران معاصر»، (پایان‌نامه)، قم: المصطفی.
 ۱۱. دانایی‌فرد، حسن؛ مهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۸۳)، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، تهران: صفار.
 ۱۲. رحمانی ولوی، مهدی و منصور جغتایی (۱۳۸۳)، تاریخ علمای بلخ، مشهد: آستان قدس رضوی.
 ۱۳. غبار، میرغلام‌محمد (۱۳۸۴)، افغانستان در مسیر تاریخ، تهران: جمهوری.

۱۴. فرانکفورد، چاوا، دیوید نجمیاس (۱۳۸۱)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: فاضل لاریجانی و رضا افضل، تهران: سروش.
۱۵. فروتنی، زهرا (۱۳۸۷)، مبانی تصمیم‌گیری استراتژیک امام خمینی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۶. قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: سمت.
۱۷. قورچیان، نادرقلی و همکاران (۱۳۸۳)، دایرةالمعارف آموزش عالی، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
۱۸. کریمی، صدیقه و احمدرضا نصر (۱۳۹۲)، «روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه»، پژوهش، ش ۷.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. هابوک، سوزان ام (۱۳۹۲)، راهنمای جامع نگارش مقاله علمی، ترجمه: حسین پورقاسمیان، قم: دانشگاه ادیان.
۲۱. محسنی، موسی (۱۳۹۵)، «تاریخچه مدارس علوم دینی شیعه در افغانستان»، (مقاله)، <http://www.tarbeyat.com>.
۲۲. مکارم شیرازی (۱۳۷۴)، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. مولر، پیر (۱۳۷۸)، سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی، تهران: دادگستر.
۲۴. میرزایی، خلیل (۱۳۸۸)، پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه‌نویسی، تهران: جامعه‌شناسان.
25. Bell Les and Howard Stevenson, (2006), *Education Policy (Process, Themes and Impact)*, New York.
26. Mayring, Philipp, (2014), *Qualitative Content Analysis. Theoretical Foundation, Basic Procedures and Software Solution*, Austria.
27. Rose, Susan. Spinks, Nigel. Canhoto, Ana Isabel, (2015), *Management Research: Applying the Principles*.
28. Voicu, Mirela-Cristina. Babonea, Alina-Mihaela, (2011), *Using The Snowball Method In Marketing Research On Hidden Populations*, Nicolae.